

## به بهانه روز جهانی زبان مادری زبان‌های ایرانی را پاس بداریم



مهران افشاری راه

روز ۲۱ فوریه برابر با دوم اسفند ماه، روز جهانی زبان مادری نام گرفته. نامگذاری این روز در کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۹ به منظور کمک به تنوع زبانی و فرهنگی انجام شده است. اگر نگاهی به پیش‌زمینه این نامگذاری بیاندازیم متوجه می‌شویم که تلاش

عده‌ای دانشجوی بنگلادشی (پیش از استقلال بنگلادش از پاکستان) برای اعلام زبان بنگالی به عنوان زبان دوم رسمی کشور در کنار زبان اردو اولین جرقه‌های این توجه جهانی را زده است.

۱. اتفاقا با نظر به هدف و پیش‌زمینه نامگذاری روز جهانی زبان مادری، ما جزو کشورهایی هستیم که باید این روز به شکل مضاعفی برایمان مهم باشد چرا که اقوام و گروه‌های مختلفی در ایران زندگی می‌کنند که اگرچه خودشان را ایرانی می‌دانند اما علاقه مندند که زبان مادری آنها چه در منطقه‌ای محل زندگی خودشان و چه در سر تا سر کشور از اهمیت و اعتبار بالاتری برخوردار شود. این اقوام سال‌هاست که برای به دست آوردن حقوقی از جمله آموزش به زبان مادری، داشتن برنامه‌هایی در تلویزیونی سراسری به زبان مادری و امثالهم تلاش می‌کنند.

از دلایلی که ایشان برای این خواسته‌های خود مطرح می‌کنند یکی این است که برخی گویشوران این زبان‌ها به خصوص آنها که مسن‌تر هستند، به زبان فارسی در حدی مسلط نیستند که مثلا بتوانند برنامه‌های سرگرم کننده و مورد علاقه شان را به این زبان در تلویزیون ببینند و بسیار مشتاق هستند که برنامه‌هایی مخصوص به ایشان در تلویزیون سراسری کشور تولید شود. اما سواى این، آنچه بیشتر ایشان را به پافشاری بیشتر بر آنچه حق خود می‌دانند، وا می‌دارد ترس از منسوخ شدن زبان مادری است؛ ترسی که به خصوص در سال‌های اخیر با منسوخ شدن بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های مختلف ایرانی، به جا بودنش به اثبات رسیده است.

بیاییم و در این روز جهانی زبان مادری در کنار زبان فارسی معیار، از یک طرف زبان مادری دیگر اقوام این مرز و بوم همچون ترکی، کردی، لری، بلوچی و ... و از طرف دیگر لهجه‌ها و گویش‌های مختلف فارسی از جمله خراسانی، کرمانی، شیرازی، و ... را پاس بداریم و باور داشته باشیم که بالا رفتن اعتبار آنها به معنی افزایش تنوع زبانی در کشور ایران است. این تنوع زبانی بدون شک به غنای زبان فارسی خواهد افزود و خطر اضمحلال آن را تا حد زیادی کاهش خواهد داد.

ترسیم از اینکه اقتدار این زبان‌ها و گونه‌های زبانی، اتحاد فارسی زبانان را به لرزه در می‌آورد چرا که ملتی که از زبان مادریش اعتماد به نفس و هویت نگیرد، به کار اتحاد هم نمی‌آید.

۲. گونه‌های زبانی و زبان‌های مختلف ایران همچنین، پیشینه‌ای طولانی و بسیار قابل بررسی دارند. بد نیست به بهانه‌ی روز جهانی زبانی مادری از نگاه تاریخی به زبان‌های ایرانی غافل نشویم و اهمیت این کار را به خود یادآوری کنیم.

ممکن است خیلی‌ها این سوال به ذهنشان برسد که در دنیای مدرن و در عصر تکنولوژی و در کنار مشکلاتی چون کمبود آب، آلودگی هوا، جنگ و ... اهمیت مطالعه‌ی زبان‌های باستانی در چیست؟ سوالی که پرفسور ابرتو کاترا - بعد از ابراز شگفتی از مطرح شدنش - در گفت و گویی با او که در همین صفحه چاپ شده است، به آن پاسخ گفته و نظر خود را در این مورد تشریح نموده است.

به راستی چطور می‌توان به این سوال پاسخ داد در حالی که شاید پرسیدن آن خطا باشد؟ آیا کسی در دنیا هست که در اهمیت شناخت خود شک داشته باشد؟ آیا کسی هست که ضرورت بررسی و کند و کاو در احوالات یک ملت را انکار کند؟

چرا که شناخت انسان از خودش به او توانایی این را می‌دهد که احساس هویت کند، ضعف‌های احتمالی‌اش را برطرف سازد، برنامه‌های پیشرفت‌ش را بر اساس خصوصیات و ویژگی‌هایش بنا کند، و یالتبع داشتن اطلاعاتی درست از زبان، تفکرات، باورها، اعتقادات، شکست‌ها، پیروزی‌ها، ضعف‌ها و نقاط قوت یک ملت نیز او را در مسیر رشد یاری خواهد کرد.

به خصوص ملتی که بخواهد روی پای خود بایستد و خودش را برای دنیا باز تعریف کند، به این اطلاعات نیاز بیشتری خواهد داشت و آن موقع است که اگر این کار را نکرده باشد و احساس هویت نکند، افسوس خواهد خورد. ضمن اینکه بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های تاریخی، اجتماعی و یا سیاسی همه‌ی ما انسان هستیم و هر کشف جدیدی در مورد هر نقطه‌ای از این کره‌ی خاکی قطعا چون بال بر پروانه‌ای، در آن سوی دنیا کشف دیگری را رقم خواهد زد و در نگاهی کلان‌تر رشد و پیشرفت نوع بشر را در پی خواهد داشت.

از ۳ تا ۱۷ اسفند در تماشخانه علی کهن

## خیابان بابل را در کرمان می‌بینیم

گروه فرهنگ و هنر - نمایشنامه خیابان بابل را محمد رضا قدس ولی از سوم تا هفدهم اسفند ماه جاری در کرمان اجرا می‌کند.

یونسوید این نمایشنامه ایوب آقاخانی است و هادی ملکی و مجتبی کیمیایی بازیگران این نمایش می‌باشند. علاقه‌مندان می‌توانند خیابان بابل را هر روز بعد از ظهر ساعت ۱۸ در تماشخانه استاد علی کهن ببینند.

این تماشخانه در آموزشگاه آرنی به آدرس پارک مطهری، ابتدای بلوار قدس واقع می‌باشد.

# آموزش زبان‌های قدیمی در ایران رایج نیست

یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موبدان اوستانویس با نام «مرزبان» در کرمان می‌زیست

مهران افشاری راه

را فرا گرفتیم. آن زمان که لاتین و یونانی را فرا می‌گرفتم هیچ تصویری از ارتباطی که بین زبان‌های اروپایی و دیگر زبان‌ها یعنی زبان‌های ایرانی و هندی وجود دارد نداشتم.

سیس به یادگیری زبان سانسکریت که مرتبط با زبان‌های اروپایی است علاقه‌مند شدم. بعد از یادگیری سانسکریت، اولین زبانی که از زبان‌های ایرانی فرا گرفتیم زبان فارسی قدیمی بود و بعد از آن با اوستایی آشنا شدم و آن را از همه جالب‌تر یافتیم.

**در این میان از نظر شما زبان اوستایی چه اهمیت خاصی دارد که تصمیم گرفتید پژوهش‌هایتان را بر محور این زبان متمرکز کنید؟**

البته نمی‌شود گفت زبان اوستایی زبان مهمی است نه اینکه نباشد اما در مورد زبان‌ها نمی‌شود اینطور صحبت کرد و تصور کرد که یکی از آنها از بقیه مهم‌تر است. زبان اوستایی برای شخص من به نسبت سانسکریت چالشی‌تر بود، چرا که تعداد متون موجود به زبان اوستایی بسیار کمتر از تعداد متون موجود به زبان سانسکریت است همچنین تفاوت‌هایی در نسخ باقی مانده از زبان اوستایی وجود دارد که این تفاوت در نسخه‌های فراوانی که از سانسکریت به جا مانده دیده نمی‌شود و همین مساله، زبان اوستایی را تبدیل به مساله‌ای پر چالش می‌کند که موضوعات مختلفی برای تحقیق در مورد آن وجود دارد. همچنین روش

**هدف از مطالعه‌ی یک زبان باستانی تنها فهمیدن متون آنها و کشف قوانین آوایی و دیگر قوانین زبانی زیانتان نیست بلکه هدف نهایی این است تا از این طریق پی به تفکر آنها ببریم تا بتوانیم درکشان کنیم**

انتقال آن در طول تاریخ بسیار برای من جالب است.

در واقع تصمیم برای پیگیری زبان اوستایی تصمیمی نبوده که در یک لحظه گرفته باشم بلکه به صورت پله‌ای به آن رسیدم. همچنین اینطور نبوده که مطالعه‌ی زبان را انتخاب کنم مطالعه‌ی زبان‌های کلاسیک در

**آقای پرفسور! اول از همه دوست داریم بدانیم چه شد که به حوزه‌ی زبان‌های باستانی علاقه مند شدید؟**

در دوران دبیرستان زبان‌های کلاسیک اروپایی یعنی لاتین و یونانی

گروه فرهنگ و هنر - «همزمان با نمایشگاه آثار «تونی کرگ» هنرمند معاصر بریتانیا، نگارخانه‌های کرمان با همکاری موزه هنرهای معاصر استاد صنعتی، اقدام به برگزاری نمایشگاه نقاشی و مجسمه می‌نمایند. بدینوسیله از تمامی هنرمندان جهت شرکت در نمایشگاه دعوت به عمل می‌آید.»

آنچه خواندید سطرهای آغازین «نمایشگاه بزرگ نقاشی و مجسمه در کرمان» است که چندی قبل منتشر شد.

توضیح بیشتر این خبر باید گفت در بهار سال ۹۷ یعنی کمتر از ۲ ماه دیگر قرار است نمایشگاهی از آثار تونی کرگ که یکی از مطرح‌ترین مجسمه‌سازان معاصر است، در موزه هنرهای معاصر صنعتی برگزار شود. این اتفاق خوب اما یک اتفاق بزرگ دیگر را هم رقم زده است و آن اینکه همه‌ی گالری‌داران کرمان همت کرده‌اند و به صورت گروهی تصمیم گرفته‌اند، با همزمان با نمایشگاه تونی کرگ هیچکدامشان خالی از اثر نباشند و همه با هم و همزمان نمایشگاه برگزار کنند. در این مسیر اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان نیز از این حرکت گروهی حمایت کرده است. با این اتفاق گالری‌های کرمان با عطر بهار

جان می‌گیرند. به منظور اطلاع بیشتر از چند و چون این طرح و شیوه‌ی برگزاری آن به سراغ مصطفی هندو زاده، مدیر گالری یادگاران صنعتی رستم و از او در اینباره پرسیدم.

هندو زاده به استقامت می‌گوید: حدود یکسال قبل گالری‌دارهای کرمان به تشویق آقای جوشایی جلساتی را برگزار می‌کردند تا درباره‌ی مسایل مشترکشان صحبت کنند. در آن جلسه آقای جوشایی از همه‌ی ما دعوت کرد تا به یک طرح و ایده‌ی مشترک برسیم تا بتوانیم از ظرفیت‌های موجود بیشترین بهره

دبیرستان و پیگیری آنها بود که من را در این مسیر انداخت و در نهایت به زبان اوستایی رساند.

بعد از آشنایی با این زبان و یادگیری آن بود که متوجه شدم در دانشگاه‌های اسپانیا دپارتمانی برای زبان‌های اوستا و سانسکریت وجود ندارد برای همین دست به کار تاسیس این دپارتمان شدم و مدت ۱۵ سال هم شخصا مدیریت آن را بر عهده داشتم بعد از ۱۵ سال مجدداً به آلمان رفتم اما می‌دانم که دانشجویان من آن قسمت را فعال نگه داشته‌اند و امیدوارم که این فعالیت ادامه داشته باشد.

**در بخشی از باستان با نام «مرزبان» در کرمان می‌زیست**

بله! این مساله به روش انتقال اوستا در طول تاریخ برمی‌گردد. همان طور که می‌دانید اوستا کتابی نبوده که در هر خانه‌ای و به وفور یافت شود بلکه عموماً این کتاب در آتشکده‌ها موجود بوده و هر زمان که در جایی آتشکده‌ی جدیدی بنا می‌شده و یا نسخه‌ی قدیمی اوستا در یک آتشکده بسیار مستعمل می‌شده‌است نیاز به نوشتن تازه و پیش‌یا افتاده‌ای نبوده بلکه باید سده‌ها یک موبد خاص این کار انجام می‌شده و به این شکل که آن موبد خاص شروع به خواندن اوستا به صورت حفظی می‌کرده و ضمن خوانده متون اوستا تمام مناسک و رسوم مربوطه را نیز انجام می‌داده و در همان حال اوستای جدید را تالیف می‌کرده است.

به همین دلیل است که به دلایلی از جمله تفاوت‌های لهجه‌ای، تفاوت‌های فردی در تلفظ‌ها و دلایلی از این دست اوستاها مختلف تفاوت‌هایی با یکدیگر پیدا می‌کردند.

**آقای دکتر! بیشتر آدم‌ها، وقتی نام زبان‌های باستانی را می‌شنوند، اولین سوال که به ذهنشان می‌رسد این است که پژوهش و مطالعه بر روی زبان‌های باستانی در دوران مدرن و در عصر تکنولوژی چه اهمیت و فایده‌ای دارد؛ شما به عنوان کسی که سال‌ها از عمرش را صرف کار بر روی همین حوزه کرده، چه پاسخی به این افراد می‌دهد؟**

جواب من به این دسته از آدم‌ها این است که هدف از مطالعه‌ی یک زبان باستانی تنها فهمیدن متون آنها و کشف قوانین آوایی و دیگر قوانین زبانی زیانتان نیست بلکه هدف نهایی

بهار ۹۷ در کرمان نمایشگاه بزرگ نقاشی و مجسمه برگزار می‌شود

گفت و گو با آلبرتو کانترا؛ مدیر بخش ایران شناسی و استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه برلین

# آموزش زبان‌های قدیمی در ایران رایج نیست

یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موبدان اوستانویس با نام «مرزبان» در کرمان می‌زیست



وقت به شعر فارسی هم علاقه مند بوده‌اید؟

البته من روی شعر ایرانی کار نکردم و خواندن آن هم برایم بسیار سخت است چرا که برای درک شعر در یک زبان دیگر نه تنها باید بر معنای واقعی کلمات آن زبان بلکه همچنین بر معنای پنهانی آن کلمات هم اشراف داشت و من دارم سعی خودم را می‌کنم اما هنوز به جایی نرسیده‌ام که بتوانم از شعر فارسی لذت ببرم. و تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که شعر فارسی دو بار دچار تحول شد یکی از این تحولات در زمان ورود اعراب بود که باعث شد ایرانی‌ها، اوزان عروضی آنها را مستقیماً وارد اشعار خود کنند. در این تحول نکته‌ی خاصی که وجود دارد این است که مثلاً مثنوی را در دانشجوین برای اولین بار در دوره‌ی فوق لیسانس وارد این رشته می‌شوند و تنها دو سال فرصت دارند تا با حجم زیادی از اطلاعات این حوزه آشنا شوند به نظر من برای تحصیل در این رشته دو سال زمان بسیار کمی است.

مساله‌ی دیگری که وجود دارد این است که یک انسان اروپایی زمانی که می‌خواهد زبان اوستایی یا هر نوع زبان باستانی یا قدیمی دیگری را فرا بگیرد پیش از آن در دوران مدرسه، زبان‌های کلاسیک اروپایی یعنی لاتین و یونانی را فرا گرفته و کارش خیلی راحت‌تر است اما در ایران سنت یادگیری زبان‌ها یا با نگاهی به تحولات مشابه در غرب صورت دادند. البته منظور من بیان نوعی برتری غرب نیست به هر حال ما همه انسان هستیم. و آنچه در کل می‌خواهم بگویم این است که جهان امروز جهان زودن ساختارها از همه چیز است و رسیدن به بالاترین سطوح علمی

متون اوستایی و مکاشفهی کلمات و قوانین آوایی آنها می‌گذارد اما آنچه برایم مهم است بی بردن به تفکر پشت متون است و تفسیر خودم را و خوانش خودم را از این متون دارم که البته این تفسیر و خوانش هم بر پایه‌ی متدولوژی‌های علمی است.

**با توجه به اینکه شما چند سفر به ایران داشته‌اید مسلماً تا حدودی با فضای آموزش و پژوهش در زبان اوستایی در ایران آشنایی دارید، دوست داریم ارزیابی شما را در این مورد بدانیم؟**

یکی از مشکلات مطالعات زبان اوستایی و همچنین دیگر زبان‌های ایرانی به این برمی‌گردد که این رشته در مقطع کارشناسی وجود ندارد و دانشجویان برای اولین بار در دوره‌ی فوق لیسانس وارد این رشته می‌شوند و تنها دو سال فرصت دارند تا با حجم زیادی از اطلاعات این حوزه آشنا شوند به نظر من برای تحصیل در این رشته دو سال زمان بسیار کمی است.

**پرفسور کاترا! شاید آنچه می‌خواهیم پرسیم با دیگر بخش‌های گفت و گو می‌با و طبعاً با اوستایی هم خیلی مرتبط نباشد اما در پایان گفت و گو، کنجکاوم بدانم آیا هیچ**

این است تا از این طریق پی به تفکر آنها ببریم. تا بتوانیم درکشان کنیم؛ اینکه آنها چطور آدم‌هایی بوده‌اند، و به چه چیزهایی و به چه صورت می‌اندیشیده‌اند. برای شناخت انسان در تاریخ گذشته تنها مشاهده‌ی اشیای موزه کافی نیست چرا که انسان‌هایی که در یک مکان زندگی می‌کنند، از اشیای مشترکی استفاده می‌کنند اما هر کدام از آنها دنیای خاص خودشان را دارند و این دنیای خاص تنها از طریق رفتار و کلمات قابل شناسایی است و از بین این دو شاخه هم تنها زبان است که در طول قرن‌ها خودش را به ما رسانده تا در انتقال اندیشه‌های پیشینان کمک‌مان کند.

از آن گذشته یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایز کننده انسان مدرن و انسان قدیم در برخورد با انسان‌های پیش از خود، خوانش منتقدانه است؛ خوانش منتقدانه نه به این معنا که به پیشینان انتقاد وارد کنیم و از آنها ایراد بگیریم نه خوانش منتقدانه به معنای تفکر منتقدانه‌ی مدرن. یعنی با این نوع خوانش می‌توان از متون پیشینان واقعیتی را استخراج کرد که ممکن است خیلی شبیه به آنچه امروز در مورد آنها می‌اندیشیم نباشد. ما در تحقیقاتمان به موارد زیادی برمی‌خوریم که به طور واضح با تصویری که مردم مثلاً در مورد هندی‌ها یا ایرانیان قدیم دارند متفاوت است. از طریق خوانش منتقدانه‌ی یک متن است که ما پی به تفکر صاحبان آن متن می‌بریم و می‌توانیم ارتباط آنها را با متون بعد و قبل از خود شناسایی کنیم و می‌توانیم علت و دلیل بسیاری از مسائل را تفسیر کنیم.

من هم وقت زیادی را روی خواندن و همچنین از ظرفیت‌های حمایتی (نه الزاماً مالی) ارشاد هم استفاده کنیم.

او می‌افزاید: «از سویی دیگر آقای ثمرخی مدیر موزه هنرهای معاصر کرمان هم پیشنهاد مشابهی را مطرح می‌کردند مبنی بر اینکه از ظرفیت‌های گالری‌های کرمان در جهت برگزاری یک مجموعه نمایشگاه مشترک استفاده کنیم. کما اینکه در جشنواره‌ی تجسمی جوانان نیز می‌توانستیم از آن موقعیت استفاده کنیم و نمایشگاه‌های سطح شهر را مدیریت کنیم. اما متأسفانه در آن زمان ۳ گالری یادگاران صنعتی در

بهار ۹۷ در کرمان نمایشگاه بزرگ نقاشی و مجسمه برگزار می‌شود

# هنر کرمان با «تونی کرگ» دیده می‌شود

توضیح برنامه‌ی کلی این نمایشگاه می‌گوید: «در این نمایشگاه بزرگ همه‌ی گالری‌های کرمان مشارکت دارند.»

او ادامه می‌دهد: «نگارخانه رستاک با موضوع حجم و مجسمه، نگارخانه سروسنجان با محوریت نقاشی با موضوع طبیعت، نگارخانه دیبا با موضوع فیگور و پرتره، نگارخانه هومپر، با موضوع نقاشی با گرایش آبستره، نگارخانه یادگاران، آثار طراحی و نگارخانه آزاد با محوریت نقاشی خط در برگزاری این نمایشگاه بزرگ مشارکت دارند. و به این شکل همه‌ی گالری‌های کرمان در این برنامه مشارکت دارند.»

این مدیر گالری می‌گوید: «تقسیم بندی موضوعی این نمایشگاه با توافق جمعی و از مسیر مشورت صورت گرفت و آنچه برای ما مهم است، ایجاد تعادل کمی و کیفی آثار می‌باشد که سعی می‌کنیم به نحو مطلوبی آن را بین خودمان توزیع کنیم.»

او از حمایت اداره کل ارشاد در بحث اطلاع‌رسانی برای این نمایشگاه خبر می‌دهد و اظهار می‌دارد: «البته خود گالری‌ها نیز قرار است بازدیدکنندگان خود را به منظور اطلاع‌رسانی بیشتر و بهتر با

هم شریک کنند و از این طریق بر تعداد بازدیدکنندگان بیفزایند.»

هندو زاده از این اتفاق بزرگ به عنوان یک ظرفیت برای عرضه‌ی بنیه‌ی تجسمی کرمان نام می‌برد و می‌گوید: «بدون تردید نمایشگاه تونی کرگ جدای از هیات همراه، بازدیدکنندگان کشوری مهمی دیگری هم خواهد داشت که ما می‌توانیم از این فرصت استفاده کنیم و کلیتی از هنر تجسمی کرمان در دو بخش نقاشی و حجم را به بازدیدکنندگان مذکور عرضه کنیم. و در این تردیدی نیست که برگزاری این نمایشگاه‌ها و این بازدیدهای موثر، هم به ارتباطات بیشتر و موثرتر می‌انجامد و هم بازده اقتصادی برای هنر کرمان دارد.»

مدیر گالری یادگاران صنعتی می‌گوید: «آیا فکر می‌کنید بنیه‌ی تجسمی کرمان این ظرفیت و پتانسیل را دارد که بخواهد در این حجم وسیع آثار خود را ارائه کند و در عین حال کیفیت قابل عرضه‌ی هم برای بازدیدکنندگان متخصص داشته باشد؟

او پاسخ می‌دهد: «به هر حال باید در فرصت‌های این‌چنینی محک بخوریم تا به توانایی‌ها و نقاط ضعف خود آشنا شویم.»



نداشتند و آنها هم که داشتند برای استفاده از آن موقعیت برنامه‌ریزی جمعی نداشتند.»

این هنرمند کرمانی با اظهار این نکته که مجموعه‌ی این بحث‌ها و پیشنهادات جمعی به برگزاری نمایشگاه جمعی در کرمان همزمان با نمایشگاه تونی کرگ منجر شد. اظهار می‌دارد: «در نهایت به صورت مشورتی و با همراهی آقای ثمرخی برای برگزاری نمایشگاه همزمان با تونی کرگ برنامه‌ای مشخص کردیم و فراخوان آن را هم نوشتیم و منتشر کردیم.»

مدیر گالری یادگاران صنعتی در

گروه فرهنگ و هنر - «همزمان با نمایشگاه آثار «تونی کرگ» هنرمند معاصر بریتانیا، نگارخانه‌های کرمان با همکاری موزه هنرهای معاصر استاد صنعتی، اقدام به برگزاری نمایشگاه نقاشی و مجسمه می‌نمایند. بدینوسیله از تمامی هنرمندان جهت شرکت در نمایشگاه دعوت به عمل می‌آید.»

آنچه خواندید سطرهای آغازین «نمایشگاه بزرگ نقاشی و مجسمه در کرمان» است که چندی قبل منتشر شد.

توضیح بیشتر این خبر باید گفت در بهار سال ۹۷ یعنی کمتر از ۲ ماه دیگر قرار است نمایشگاهی از آثار تونی کرگ که یکی از مطرح‌ترین مجسمه‌سازان معاصر است، در موزه هنرهای معاصر صنعتی برگزار شود. این اتفاق خوب اما یک اتفاق بزرگ دیگر را هم رقم زده است و آن اینکه همه‌ی گالری‌داران کرمان همت کرده‌اند و به صورت گروهی تصمیم گرفته‌اند، با همزمان با نمایشگاه تونی کرگ هیچکدامشان خالی از اثر نباشند و همه با هم و همزمان نمایشگاه برگزار کنند. در این مسیر اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان نیز از این حرکت گروهی حمایت کرده است. با این اتفاق گالری‌های کرمان با عطر بهار

جان می‌گیرند. به منظور اطلاع بیشتر از چند و چون این طرح و شیوه‌ی برگزاری آن به سراغ مصطفی هندو زاده، مدیر گالری یادگاران صنعتی رستم و از او در اینباره پرسیدم.